

تجربه زنان تهرانی از بی‌اعتنایی اجتماعی در روابط همسایگی: یک مطالعه کیفی

معصومه اسمعیلی^۱، اعظم دشتی^{۲*}، کوثر دهدست^۳

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تجربه زنان تهرانی از بی‌اعتنایی اجتماعی در روابط همسایگی است. اطلاعات مورد نیاز برای پژوهش از طریق رویکرد کیفی و روش نظریه مبنایی با استفاده از نمونه‌گیری نظری به دست آمده است. با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، در هر مرحله با توجه به تحلیل داده‌های پیشین از بین زنانی که تجربیات و دغدغه‌هایی در روابط اجتماعی به طور اعم و روابط همسایگی به طور اخص داشتند، در دوره انجام پژوهش به خانه سلامت مسعودیه واقع در منطقه ۱۵ تهران مراجعه کرده و نیز تمایل به شرکت در مصاحبه داشتند، ۱۷ نفر انتخاب شدند. پس از تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از این مصاحبه‌ها، چهار کد نظری شامل الف) علل زمینه‌ساز کاهش جذابیت در روابط همسایگی، ب) عوامل علی در شکل‌گیری پیامدهای منفی روابط همسایگی، ج) عوامل علی عدم اعتماد و امنیت در روابط همسایگی و د) عوامل علی عدم کفویت در روابط همسایگی شناسایی شدند. با توجه به تجارب زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش، عواملی که باعث کم‌رنگ‌شدن روابط بین همسایگان تهرانی می‌شود زمینه‌ساز بی‌اعتنایی اجتماعی شده است. این مطالعه کدهای نظری ارزشمندی برای جامعه‌شناسان و روان‌شناسان دارد و همچنین الهام‌بخش کسانی است که خواهان ارتقای سطح روابط همسایگی و بهبود ارتباطات اجتماعی خود هستند.

کلیدواژگان

بی‌اعتنایی اجتماعی، نظریه مبنایی، نهاد همسایگی.

masesmail@yahoo.com
azmdashti@gmail.com
dehdast92@gmail.com

۱. دانشیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی
۲. دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی
۳. دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۲۰

مقدمه و بیان مسئله

روابط اجتماعی بخش مهمی از زندگی انسان‌ها را تشکیل می‌دهد. انسان‌ها موجودات اجتماعی هستند که در بسیاری از مسائل به یکدیگر وابسته‌اند. آن‌ها به یکدیگر مرتبط‌اند و درون شبکه‌ای از خویشاوندان و غیرخویشاوندان به طرق مختلف جای داده شده‌اند. یکی از زیرمجموعه‌های ارتباطات اجتماعی روابط همسایگان است [۲۰]. می‌توان گفت نهاد همسایگی، پس از نهاد خانواده، مهم‌ترین نهادی است که افراد به واسطه آن روابط اجتماعی خود را گسترش می‌دهند و به طور سنتی منصفه بروز مشارکت‌های اجتماعی بوده است. در صورتی که این نهاد انسجام کافی داشته باشد، این روابط می‌تواند اثری مثبت بر انسجام اجتماعی و سلامت روان افراد داشته باشد [۷].

اساس هر نظم اجتماعی را عاطفه و علاقه اجتماعی تشکیل می‌دهد که در وابستگی و ارتباط عاطفی به جمع یا احساس عضویت ریشه دارد [۴]. اما بی‌اعتنایی اجتماعی، بنا به تعریف هارولد کاپلان و بنیامین سادوک^۱، «حالتی از نبود احساس درونی و عاطفه، عدم علاقه و درگیری هیجانی به محیط خود» است [۳۰]. سنکال^۲ احساس بی‌اعتنایی را حالت ذهنی می‌داند که بر اساس آن فرد قدرت کافی برای مهار پیامدهای رویدادهای کلان اجتماعی را ندارد. در این مفهوم، فرد از درک جامعه خود خارج و به نوعی فاقد حس تعلق می‌شود [۳۵]. چنانچه افراد هدف و هویت خود را گم کنند، بیمار می‌شود و به انواع رفتارهای خودشکن می‌پردازند. این احساس بی‌معنایی به بی‌اعتنایی و به حالت کاهش هوشیاری منجر می‌شود [۳۲]. بی‌اعتنایی اجتماعی از نگاه روان‌شناسان و نظریه‌پردازان شخصیت انسانی نشانه‌ای از مشکلات زمینه‌ای است، زیرا علاقه اجتماعی، وضعیت طبیعی‌گونه انسان و چسبی است که جامعه را به هم می‌چسباند [۲۲]. از نظر ادلر، تنها مقیاس ارزشیابی ارزش‌های انسانی یک فرد میزان علاقه اجتماعی اوست [۳۶]. علاقه اجتماعی معیاری برای سنجش بهنجاری و «سلامت روان» است و می‌توان از آن برای تعیین ثمربخش بودن یک زندگی استفاده کرد. هرچه فرد علاقه اجتماعی بیشتری داشته باشد، از لحاظ روانی پخته‌تر و سالم‌تر است [۲۴]. افراد سالم به دیگران علاقه دارند و در ملاحظات خود منافع دیگران را لحاظ می‌کنند و هدفی را دنبال می‌کنند که رفاه همه انسان‌ها را دربردارد [۲۳]. از سوی دیگر، نظریه‌پردازان تعامل نمادین^۳ بر این باورند که مشارکت در روابط اجتماعی با فراهم آوردن بستر لازم برای شکل‌گیری هویت‌های ثابت و ادراک مثبت از خود، بر احساس امنیت و سلامت روان اثر مثبت می‌گذارد [۴]. این تأثیرات می‌تواند در زندگی شخصی، در ارتباطات میان انسان‌ها، روابط همسایگی و محیط اجتماعی دیده شود.

1. H. Kaplan & B.j. Sadock
2. Senekal
3. symbolic interactionism theory

بی‌اعتنایی مدنی بیانگر بی‌احساسی، بدبینی، بی‌میلی و به عبارت بهتر نوعی افسردگی اجتماعی^۱ است [۲۴]. از این رو، از منظر آسیب‌شناختی، بی‌اعتنایی در جامعه نوعی بیماری جمعی شناخته می‌شود. همان‌گونه که در نقطه مقابل آن، هرگونه علاقه اجتماعی و نوع‌دوستی در حیات فردی و اجتماعی نشانه پویایی و سلامت اجتماعی^۲ است [۲۹]. علاقه اجتماعی به معنای احساس وحدت با جامعه و نوعی پیوست با بشریت است [۲۸]. بی‌اعتنایی نوعی نگرش است و به رفتاری منجر می‌شود که در آن همکاری کردن با دیگران، قدم خیر برداشتن در راه رشد و پیشرفت دیگران و در نظر داشتن منافع سایر ابنای بشر در عمل کاملاً بی‌معناست [۳۸]. در متون جامعه‌شناسی، اغلب بی‌اعتنایی اجتماعی را از عوارض ناخواسته شهرنشینی در دوران مدرن قلمداد می‌کنند. به نظر می‌رسد که رشد سرسام‌آور صنعت و تکنولوژی، توسعه ارتباطات اجتماعی، افزایش افسارگسیخته جمعیت، مهاجرت بی‌رویه، گسترش شهرنشینی، مجاورت فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های مختلف، رشد ارتباطات موزاییکی، عقلایی شدن رفتار انسان، گسترش منطق خشک محاسبه‌گری، فردگرایی، ضعف نهادها و اعتقادات مذهبی، از بین رفتن هویت‌های گروهی و محلی باعث شکل‌گیری بحران در روابط انسانی شده است و اگر مشارکت شهروندان در زندگی اجتماعی را شرط توسعه انسانی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بدانیم، پس کمبود مشارکت شهروندان و شیوع بی‌اعتنایی اجتماعی را می‌توان عاملی عمده در توسعه‌نیافتگی دانست [۱۷].

به نظر رولو می^۳، بی‌اعتنایی و پوچی ناخوشی دوران مدرن است [۳۶]. چنین فرض می‌شود که بی‌اعتنایی اجتماعی پدیده معمول شهرهای بزرگ است [۲۰]؛ جایی که بزرگ‌ترین تنوع قومی و فرهنگی پیدا شده و ناهمگونی سبک‌های زندگی دیده می‌شود. با توجه به اینکه زنان مراقبان اصلی کودکانند و شیوه رفتاری آن‌ها الگویی برای نسل بعدی خواهد بود، بررسی رفتارهای اجتماعی آنان و چرایی این رفتار اهمیت بسزایی دارد [۲]. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر تبیین تجربه زنان تهرانی از پدیده بی‌اعتنایی اجتماعی، به‌ویژه در قالب روابط همسایگی و عوامل پیدایش و گسترش روزافزون آن، است. با درک شرایط و علل زمینه‌ساز شکل‌گیری و گسترش روزافزون بی‌اعتنایی اجتماعی، می‌توان به مداخلات اثربخش‌تر دست یافت.

پیشینه تحقیق

ماهیت تحقیقات انجام‌شده در این حوزه شامل یک دسته از پژوهش‌های کمی در ارتباط با اهمیت مشارکت اجتماعی و نقش روابط خوب اجتماعی در سلامت جسمی و روانی کودکان،

1. social depression
2. social health
3. rolo may

بزرگسالان و سالمندان، با بررسی جامعه‌شناختی تنهایی و بی‌اعتنایی اجتماعی در داخل و خارج از کشور می‌شود (مثلاً کیت و کورتنی^۱ [۳۱]، دیوال و بامیستر روی^۲ [۲۷]، نوابخش و رفیعی‌فر [۱۹]، قنبری نیک [۱۴]، فتحی [۱۳] و ساکوز و همکاران^۳ [۴۰]). دسته دیگر پژوهش‌ها در این حوزه به نقش و اهمیت روابط اجتماعی و نهاد همسایگی پرداخته (ابوالحسنی [۲۱]، هورتالانوس و همکاران [۲۰]، مشکینی و همکاران [۱۸]، کارکنان نصرآبادی [۱۵] و پیران [۳]) و عوامل مختلف روان‌شناختی و جامعه‌شناختی در بروز و پیدایش مشکلات ناشی از آن را بررسی کرده‌اند. برای نمونه، محسنی و همکاران (۱۳۹۰) نشان دادند که ۴۰ درصد تغییرات بی‌اعتنایی اجتماعی بین شهروندان تهرانی ناشی از پنج متغیر التزام مدنی، فردگرایی، بی‌هنجاری، رضایت اجتماعی و محرومیت نسبی است [۱۶].

دسته دیگر از تحقیقات درخصوص وضعیت بی‌اعتنایی اجتماعی در کشورند؛ مثلاً، رحیمی (۱۳۹۲) نشان داد میزان مشارکت اجتماعی مردم تهران در حدود ۳۲ درصد است و حدود ۶۸ درصد از مردم تهران علاقه‌ای به مشارکت در فعالیت‌های جمعی ندارند [۶]. محسنی و همکاران (۱۳۹۰) نیز میزان بی‌اعتنایی اجتماعی در تهران را بالاتر از سطح متوسط به دست آورده‌اند [۱۶] که البته حوزه اصلی تمرکز پژوهش‌های فوق، متفاوت از ماهیت زیربنایی مسائل و مشکلات غیرجامعه‌شناختی آن است که در این خصوص به ایفای نقش می‌پردازند.

روش تحقیق

این پژوهش از نوع اکتشافی است و با توجه به ماهیت موضوع از روش کیفی و نظریه زمینه‌ای^۴ استفاده شده است. تحقیق کیفی پاسخی به سؤال این است که ساختار و ماهیت تجربه یک پدیده از سوی مردم چگونه است؟ در این روش، فرایند نمونه‌گیری، گردآوری و تحلیل و تفسیر داده‌ها جدا از یکدیگر نیست و محقق این فرایند تجزیه و تحلیل و انجام کدگذاری‌ها را براساس الگوی پارادایمی موجود در روش تحقیق، یعنی شرایط علی، شرایط زمینه‌ای پدیده و راهبردهای به کار گرفته شده، مشخص می‌کند و سپس در مرحله مرتبط کردن فرایند با تحلیل داده‌ها، شکل‌گیری مفاهیم اصلی و فرعی با شرایط ساختاری پدیده، یعنی شرایط علی، زمینه‌ای و راهبردی، ارتباط داده می‌شود [۳۳].

در این راه، رویه اصلی گردآوری داده‌ها استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و عمیق بود که معمولی‌ترین روش در پژوهش کیفی است [۳۴]. در این نوع مصاحبه، سعی می‌شود احساسات،

1. Kate K. Courtney D.A.
2. DeWall, C. N. Baumeister Roy F.
3. Tsakos, G.Sabbah W. Chandola T. Newton T.Kawachi I. Aida J. Sheiham A. Marmot M. G. Watt R. G.
4. grounded theory

تجارب و افکار مصاحبه‌شونده در زمینه موضوع مورد پژوهش کشف شود. از این رو، اغلب در بدو امر حالتی غیرسازمان‌یافته داشته و تلاش می‌شود با طرح پرسش‌های کلی به مصاحبه‌شونده فضایی داده شود که به راحتی افکار خود را ابراز کند [۳۵]. بنابراین، اولین سؤالات براساس موضوع پژوهش پیرامون شکل و سطح روابط اجتماعی مصاحبه‌شوندگان با همسایگان و دیگران شکل گرفت و در ادامه، موضوع مصاحبه «شکل امروزی روابط آن‌ها با همسایگان، دلایل این شیوه از عملکرد و چرایی رواج بی‌اعتنایی اجتماعی بین زنان تهرانی» براساس تجربه شخصی مشارکت‌کنندگان مورد بحث قرار گرفت.

با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، در هر مرحله با توجه به تحلیل داده‌های پیشین از بین زنانی که تجربیات و دغدغه‌هایی در روابط اجتماعی به طور اعم و روابط همسایگی به طور اخص داشتند، در دوره انجام پژوهش به خانه سلامت مسعودیه واقع در منطقه ۱۵ تهران مراجعه کرده و نیز تمایل به شرکت در مصاحبه داشتند، ۱۷ نفر انتخاب شدند. به دلیل تفاوت ماهیت تجربه بین دو جنس، برای جلوگیری از ایجاد تفاوت جنسی، مردان از مطالعه کنار گذاشته شدند. از ویژگی‌هایی که در میان نمونه مورد مصاحبه برای کنترل برخی متغیرهای مزاحم مد نظر قرار گرفت، نداشتن سابقه بیماری طولانی، عدم استفاده از درمان‌های مربوط به سلامت روان و نبود مشکلات حاد خانوادگی بود. استراتژی جمع‌آوری داده‌ها استفاده از مصاحبه‌های عمیق و سؤال‌های باز پاسخ همراه با سؤال‌های پیگیرانه برای تشویق مشارکت‌کنندگان به منظور در اختیار گذاشتن تجارب عمیق خود بود [۵]. مطالعه حاضر پس از ۱۵ مورد مصاحبه به وضعیت اشباع رسید، اما برای اطمینان بیشتر مصاحبه‌های تکمیلی تا ۱۷ مورد ادامه یافت. مدت مصاحبه‌ها نیز متغیر بود و به طور متوسط حدود ۴۵ تا ۶۰ دقیقه به طول انجامید. مکان مصاحبه‌ها در خانه سلامت مسعودیه و زمان آن به دلخواه مشارکت‌کنندگان بود. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۳۱ سال، در رده سنی ۲۵ تا ۵۵ سال بود؛ سطح تحصیلات از ابتدایی تا دکتری همه را در بر می‌گرفت. همه مشارکت‌کنندگان متأهل، ۱۱ نفر خانه‌دار و ۶ نفر از آن‌ها هم شاغل بودند.

جدول ۱. مشخصات کلی پاسخ‌گویان

مدرک تحصیلی / وضعیت شغلی	تعداد
زیردیپلم	۲
دیپلم	۶
کارشناسی	۴
کارشناسی ارشد	۳
دکتری	۲
خانه‌دار	۱۱
شاغل	۶
تعداد کل مشارکت‌کنندگان	۱۷

تحلیل داده‌ها

در گام اول، هم‌زمان با نوشتن متن مصاحبه‌های انجام‌شده، ضمن حفظ یکپارچگی داده‌ها به‌عنوان یک کل، تحلیل داده‌ها آغاز شد [۱۰]. در این مرحله، محقق از طریق شناسایی و تفکیک انواع داده‌ها، سعی کرد اطلاعات در ظاهر مشابه را از هم متمایز کند و با دسته‌بندی و کشف روابط میان دسته‌های گوناگون، به درک مفاهیم پنهان در متن مصاحبه پی ببرد. در این گام، داده‌ها از پراکندگی و بی‌نظمی مطلق خارج شدند و در مقوله‌های گوناگون دسته‌بندی شدند. گام‌های تحلیل داده‌ها در این بخش عموماً یک الگوی منظم از تکرار جمع‌آوری و تحلیل هم‌زمان داده‌هاست [۳۵]. در مرحله بعد، پس از خواندن دقیق و چندباره داده‌ها، تشخیص کدها آغاز شد و سپس به احصای گزاره‌های معنادار و مهم مرتبط با کد نظری، جهت نگارش توصیفی تجارب مشارکت‌کنندگان پرداخته شد و فرایند ایجاد ارتباط بین کدها و دسته‌های مختلف انجام شد. محقق در این مرحله به دنبال نظم بخشیدن به عناوین و مقولات به‌دست‌آمده در کدگذاری باز بود تا به این ترتیب اندکاندک کدهای آزاد، محوری و نظری از میان انبوه داده‌ها خود را نشان دهند [۳۶]. پژوهشگر در این مرحله به هر دسته از عناوین عنوانی کلی و عام‌تر داد که این انتخاب عنوان کلی می‌توانست هم براساس دریافت محقق و هم مراجعه به دانش پیشین باشد.

درنهایت، در آخرین مرحله، یعنی کدگذاری انتخابی، محقق با بیان مقولات و دسته‌بندی‌های گوناگون، یک هسته اصلی و مرکزی که همه دسته‌های دیگر را به هم پیوند و ارتباط می‌دهد، انتخاب کرد تا «خط اصلی داستان» کشف شود. البته برقراری همه این ارتباطها میان مقوله‌های گوناگون و نتیجه‌گیری‌های بعدی، با توجه به دانش قبلی و «حساسیت تئوریک» شخصی محقق صورت گرفت. به این معنا که پژوهشگر از طریق غوطه‌ور شدن در داده‌ها و معنادادن به آنها با توجه به دانش قبلی خود خط سیر پدیده‌ها و ارتباط میان آنها را کشف کرد [۷].

صحت یافته‌ها

در پژوهش کیفی، از مفاهیم روایی و پایایی دوری می‌شود و از مفاهیم دیگری مانند قابلیت اعتماد استفاده می‌شود [۸].

برای اعتمادپذیری^۱ داده‌ها [۲۵] در این پژوهش از چهار راهبرد استفاده شد. یافته‌های تحقیق به چند شرکت‌کننده در پژوهش جهت ارزیابی داده شد و یافته‌ها مورد تأیید آنان قرار

گرفت (راهبر اعضا)^۱. همچنین، برای انعکاس نظر افراد دیگری که ارتباطی با پژوهش نداشتند، پژوهشگر از همکاران خود خواست مطالعه را بررسی کنند و درباره آن نظر دهند تا مشخص شود آن‌ها نیز درک مشابهی از یافته‌ها دارند (مذاکره با همکاران). در نهایت، برای دست‌یافتن به یک سنجش عینی از فرایند اجرای پژوهش، یافته‌ها از سوی چند متخصص ارزیابی شد (ارزیاب بیرونی)^۲ و ضریب توافق حدود ۸۵ درصد به دست آمد. یکی دیگر از معیارهای صحت داده‌ها در تحقیقات کیفی تلاش آگاهانه پژوهشگر برای کنار نهادن پیش‌فرض‌های خود در مورد پدیده مطالعه‌شده است تا بتواند بی‌واسطه به بررسی خود پدیده بپردازد. جهت نیل به این مهم در همان ابتدا پژوهشگر همه تصورات خود از این پدیده را در قالب «یادداشت‌کردن نگرش شخصی» کنار گذاشت؛ تا در جریان پژوهش از قضاوت‌های احتمالی جلوگیری کند. از این گذشته، پژوهشگر با طرح پرسش‌های بدون جهت، انجام‌دادن مصاحبه بی‌طرف و فاقد سوگیری و تحلیل داده‌ها بدون قضاوت شخصی در رعایت تعلیق تلاش کرده است. در این زمینه، محقق همه پیش‌فرض‌های خود را در مورد چگونگی روابط اجتماعی مردم، سطح علاقه اجتماعی زنان تهرانی و چگونگی روابط همسایگی بین آن‌ها به کناری نهاد و به سراغ مشارکت‌کنندگان رفت تا با کمک کلام آن‌ها تصویری هرچه دقیق‌تر از تجربه زنان تهرانی از بی‌اعتنایی اجتماعی در روابط همسایگی به دست آورد.

یافته‌ها

از ۱۷ خانمی که در پژوهش شرکت کردند، ۱۱ نفر خانه‌دار (۶۴ درصد) و ۶ نفر شاغل (۳۵ درصد) بودند. دو نفر سیکل (۱۱ درصد)، ۶ نفر دیپلم (۳۵ درصد)، ۴ نفر دارای مدرک کارشناسی (۲۳ درصد)، ۳ نفر کارشناس ارشد (۱۸ درصد) و ۲ نفر دکتری (۱۲ درصد) بودند. موضوع مصاحبه با مشارکت‌کنندگان در پژوهش بررسی شکل امروزی روابط همسایگی و دلایل زوال این نهاد و رواج بی‌اعتنایی اجتماعی بین بانوان تهرانی بود. از مشارکت‌کنندگان خواسته شد براساس تجارب شخصی خویش وارد گفت‌وگو شوند و آرای خویش را بدون واژه‌ها از ارزش‌گذاری دیگران مطرح کنند [۲۵]. پس از نگارش متن مصاحبه‌ها و شروع کدگذاری، ۲۸ کد باز، ۱۶ کد محوری و ۴ کد نظری به دست آمد که در جدول‌های ۲ تا ۶ کدگذاری شد. چنان‌که در این جدول‌ها دیده می‌شود، اولین مفهوم شناخته‌شده در این تحقیق تحت عنوان «عوامل زمینه‌ساز کاهش جذابیت و رشد بی‌اعتنایی اجتماعی در روابط همسایگی» در ۳ کد محوری «پیامدهای منفی»، «کاهش احساس امنیت و اعتماد عمومی» و «عدم کفویت» قابل تبیین است. «پیامدهای منفی روابط همسایگی» (ذیل ۲ کد اولیه)، «کاهش احساس

1. member checking
2. external auditors

امنیت و اعتماد عمومی» (ذیل ۳ کد اولیه) و «عدم کفویت» (ذیل ۱ کد اولیه) طبقه‌بندی شد و کد نظری حاصل به این شکل صورت‌بندی شد که «آسیب‌شناسی بسترهای زمینه‌ساز کاهش جذابیت و رشد بی‌اعتنایی در روابط همسایگی در قالب سه مجموعه رویدادهای پیامدهای منفی، کاهش احساس امنیت و اعتماد عمومی، و عدم کفویت قابل تبیین‌اند» (جدول ۳).

مفهوم دوم، یعنی «عوامل علی در شکل‌گیری پیامدهای منفی در روابط همسایگی» نیز در قالب ۲ کد محوری «عوامل مهارتی: عدم مهارت ارتباط مؤثر با یکدیگر، عدم مهارت بازتعریف مرزهای روشن، عدم مهارت همدلی و درک دنیای پدیداری یکدیگر و کاهش مسئولیت‌پذیری شخصی» و «عوامل ساختاری: طراحی نامناسب فضای مسکونی و شهری» صورت‌بندی شدند (جدول ۴).

کد نظری سوم، یعنی «عوامل علی در شکل‌گیری عدم اعتماد و امنیت عمومی» نیز در قالب ۳ کد محوری عوامل شناختی، عوامل اجتماعی و عوامل اخلاقی تدوین شد و در نهایت «علل علی زمینه‌ساز عدم ادراک کفویت» نیز دو دسته عوامل فرهنگی و عوامل روان‌شناختی شناسایی شدند (جدول ۵).

و در نهایت کد نظری چهارم، یعنی «عوامل علی در شکل‌گیری کاهش ادراک کفویت در روابط همسایگی»، در سه دسته عوامل «روان‌شناختی، فرهنگی و اقتصادی» طبقه‌بندی شدند (جدول ۶). در ادامه به شرح مختصری از هر یک پرداخته می‌شود.

جدول ۲. جملات و کدهای اولیه دربرگیرنده فرایند بی‌اعتنایی اجتماعی در روابط همسایگی

کدهای آزاد	نمونه‌ای از جملات مصاحبه‌شونده‌ها
دخالت	۱. وقتی کاری به کار کسی نداری بقیه هم کاری به کارت ندارند. این طوری زندگی خیلی بهتره.
	۲. همین که کسی تو کارت دخالت نمی‌کنه و مجبور نیستی به کسی جواب بدی، خیلی خوبه.
- عدم امکان شناخت پیدا کردن از یکدیگر	۳. من دوست ندارم با همسایه‌ها ارتباط داشته باشم، چون نمی‌دونم چطور آدم‌هایی هستن.
- عدم اعتماد در روابط	۴. چطوری می‌شه به کسی که نمی‌شناسی اعتماد کنی؟
- ناشناخته	۵. آن قدر ناامنی زیاد که شوهرم می‌گه حتی اگر یک پیرزن یا زن بچه‌بغل رو هم دیدی سوار نکن!
- از بین رفتن اعتماد عمومی	۶. برای ما رفت‌وآمد با همسایه‌ای که هیچ سختی باهاش نداریم چه سودی داره؟ نه از لحاظ فرهنگی به هم می‌خوریم نه از نظر اقتصادی یا حتی موضوع صحبت.
- نداشتن مهارت ارتباط با یکدیگر	۷. هر روز با همسایه‌ها سر مسائل مختلف دعوا داریم. سر پمپ آب، خرابی موتورخونه ...
- نداشتن مهارت حل تعارض	۸. ما هم سر خرابی نمای ساختمان برای رد کردن لوله بخاری از همسایه‌ها گلایه داریم.
	۹. اصلاً همسایه‌ها بلد نیستن باهم حرف بزنین.
دخالت در امور دیگران	۱۰. همسایه‌ها یکسره به هم گیر می‌دن و توی کار هم سرک می‌کشن.

	۱۱. پسر می‌خواست با چند بطری آب ماشین رو بشوره که همسایه دعوا راه انداخته بود که داری گناه می‌کنی و آب حروم می‌کنی و...
- کم‌شدن همدلی - دشواری درک دنیای پدیداری یکدیگر	۱۲. ان‌قدر خانم‌ها، نیازها و نظرهایشون باهم فرق کرده که دیگه همدیگر رو درک نمی‌کنن و متوجه مشکلات هم نمی‌شن. ۱۳. ان‌قدر خیانت توی مردم و خانواده‌ها زیاد شده که آدم می‌ترسه با کسی ارتباط بگیره، نکنه این آدم فاسد باشه و خانواده من رو فاسد کنه.
- کم‌رنگ شدن مسئولیت‌پذیری شخصی - تنبلی	۱۴. ان‌قدر طرف بی‌مسئولیته که به خودش زحمت نمی‌ده اشغال‌ها رو تا سر کوجه ببره، کیسه زباله رو پر می‌کنه، می‌ذاره توی راه‌پله.
عدم حفظ حریم شخصی	۱۵. الان فضای خونه‌ها طوریه که همه چی جلوی چشمه، مثل قدیم نیست که مهمون خونه جدا باشه. برای همین آدم خوشش نمی‌آد غریبه بیاد خونه‌ش.
- بزرگ‌شدن بیش از اندازه شهرها - کاهش حس اعتماد - ابهام نقش‌ها	۱۶. این روزها اصلاً نمی‌شه محتاج واقعی رو از دروغی تشخیص داد. ان‌قدر که جامعه بزرگ شده و کسی کسی رو نمی‌شناسه. ۱۷. من نمی‌تونم تشخیص بدم این آدمی که داره از من کمک می‌خواد، واقعاً به کمک احتیاج داره یا نه.
گمنامی و شناخت ناصحیح از افراد	۱۸. الان دیگه تو محل، کسی کسی رو نمی‌شناسه، چون الان هر کسی در محله‌ای خونه اجاره می‌کنه که از پس هزینه‌هاش بربیاد، یا به محل کارش نزدیک باشه.
کم‌رنگ شدن تعاملات اجتماعی و غلبه ارتباطات مجازی	۱۹. وقتی می‌شه پای برنامه‌های جذاب ماهواره نشست یا توی اینترنت با هر کسی به گفت‌وگو نشست، چرا بشینیم پای حرف‌های تکراری خانم همسایه؟
- رواج بی‌صدافتی و ریاکاری - رواج ریاکاری	۲۰. مردم خیلی راحت دروغ می‌گن، اصلاً از روی ظاهرشون نمی‌شه فهمید باطنشون چه خبره.
- افکار و عقاید ناکارآمد پیرامون روابط همسایگی (خطای شناختی تعمیم) - افکار ناکارآمد (خطای شناختی ذهن خوانی)	۲۱. اگر به کسی محبت بکنی، فرض می‌شه که قصد دخالت داری، یا شایدم از سر بیکاری اومدی. برای همین ترجیح می‌دی خونه‌ت بمونی. ۲۲. زن‌ها خیلی حسودن، از کار و زندگی‌ت خبر نداشته باشن بهتره... چطوری می‌شه با یک همچین آدم‌هایی رفت‌وآمد کرد؟
- ناهماهنگی نیازها - ناهماهنگی علایق و سرگرمی‌ها	۲۳. خانم همسایه ما وسواس داره، کاراش رو هم می‌ذاره واسه آخر شب. سر و صدای شست‌وشوی اون‌ها خیلی اذیت می‌کنه. ۲۴. من حوصله زن‌های همسایه رو ندارم.
- تفاوت خرده‌فرهنگ‌ها در جامعه - گیر کردن در دام فرهنگ خودی - ضعف مهارت ارتباطات چندفرهنگی	۲۵. فرهنگ آپارتمان‌نشینی و زندگی جمعی رو خیلی‌ها هنوز یاد نگرفتن. فکر می‌کنند زندگی در اینجا هم مثل شهرهای کوچک خودشونه. ۲۶. راستش دعوت کردن به مولودی، نرفتم. از مراسماتشون خوشم نمی‌آد. ۲۷. من اصلاً نمی‌دونم با یک همسایه ترک، لر یا کرد چطوری رابطه برقرار کنم که ناراحت نشن. برای همین ترجیح می‌دم باهاشون رابطه برقرار نکنم چون از رسم و رسومشون هم خوشم نمی‌آد.
غلبه گرفتاری کارهای شخصی بر روابط اجتماعی و همسایگی	۲۸. ان‌قدر زندگی‌ها سخت شده که آدم از صبح تا شب سر کاره. دیگه وقتی نمی‌مونه برای روابط با همسایه‌ها!

آسیب‌شناسی عوامل زمینه‌ساز کاهش جذابیت و رشد بی‌اعتنایی در روابط همسایگی

از نظر مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، زوال نهاد همسایگی و کمرنگ شدن اهمیت و ارزش روابط همسایگی و رواج پدیده بی‌اعتنایی اجتماعی سه دسته عوامل علی دارد. این عوامل خود از سه دسته عوامل زمینه‌سازی منشعب هستند که به چینی فضا می‌منجر شده‌اند. مشارکت‌کنندگان با اشاره به پیامدهای منفی که داشتن روابط همسایگی گسترده در پی دارد، از جمله ترس از دخالت همسایگان، ایجاد مزاحمت و سلب آرامش فردی، ایجاد نارضایتی، پیدایش زمینه تعارض و درگیری، از ورود به رابطه احتراز می‌کردند؛ مثلاً، شرکت‌کننده شماره ۳ (خانه‌دار)، ۷ (خانه‌دار) و ۱۵ (خانه‌دار) این‌گونه بیان کردند:

همین که کسی تو کارت دخالت نمی‌کنه و مجبور نیستی به کسی جواب بدی، خیلی خوبه.

وقتی کاری به کار کسی نداری بقیه هم کاری به کارت ندارن. این‌طوری زندگی خیلی بهتره.

من اعصاب ندارم، حوصله درد سر هم ندارم.

دومین کد محوری که به بی‌اعتنایی اجتماعی دامن می‌زند موضوع بی‌اعتمادی و احساس امنیت عمومی است که ذیل ۳ کد محوری عوامل شناختی، عوامل اجتماعی و عوامل اخلاقی طبقه‌بندی شد. این احساس، که خود به دلیل گستردگی جوامع، از بین رفتن اصالت محلات، گسترش روابط مجازی و شبکه‌های اجتماعی، ابهام در نقش‌ها، عدم امکان شناخت هویت واقعی افراد و کمرنگ شدن ارزش‌های اخلاقی است، امکان شناخت و پیش‌بینی رفتارها را کاهش می‌دهد و زمینه بی‌اعتمادی عمومی را فراهم می‌کند. مشارکت‌کنندگان شماره ۱۵ (خانه‌دار) و ۱۴ (شاغل) بیان داشتند:

به همسایه‌ای که نمی‌شناسمش چطوری اعتماد کنم؟ الان دیگه مثل قدیم نیست و ساکنان محل همدیگر رو نمی‌شناسن.

من نمی‌خوام با همسایه‌م رفت‌وآمدی داشته باشم، چون نمی‌دونم چطور آدم‌هایی هستن. حتی وقتی پدر و مادر رو می‌شناسی، نمی‌تونی روی رفتار بچه‌هاشون حساب کنی.

سومین کد محوری موضوع «عدم ادراک کفویت همسایگان» است. امروزه، محلات بیشتر براساس ملاک‌های صوری شکل می‌گیرد و همگونی افراد محله یا ساکنان مجتمع کمتر رخ می‌دهد. اصولاً یکی از ویژگی‌های دنیای امروز چندفرهنگی شدن محیط زندگی است. افراد با فرهنگ‌های مختلف (ارزش‌ها، علایق و باورهای متفاوت و رسم و رسوم گوناگون) در یک جا کار یا زندگی می‌کنند و حال به گفته مشارکت‌کننده شماره ۱۰ (شاغل) و ۶ (شاغل):

چه سودی داره رفت‌وآمد با همسایه‌ای که هیچ سختی باهاش نداریم؟ نه از لحاظ فکری، نه از جهت موضوعات مورد علاقه و حتی سرگرمی.

چیزهایی که اون‌ها رو خوشحال می‌کنه برای من اصلاً خوشایند نیست.

در ارتباط با تأکید مشارکت‌کنندگان به هم‌راستایی فضاهای مسکونی و شهری برای کاهش ارتباطات همسایگی و تعاملات اجتماعی رحیمی [۶] نشان می‌دهد فرهنگ هر جامعه پاسخ‌گوی چگونگی شکل‌گیری فضاهای شهری است. فرهنگ در فضاهای معماری و شهری از راه‌های گوناگون بروز می‌یابد. هر بنایی به‌منزله جزئی از فرهنگ معماری، وظیفه عینیت بخشیدن به یک اندیشه ذهنی را از طریق فرم ظاهری خود دارد و این نمودی است برای سنجش فرهنگ. در مجتمع‌های مسکونی و محیط‌های عمومی، کمتر مکانی برای گفت‌وگو تعبیه شده. همه‌جا راهرو دیده می‌شود؛ جایی برای رفتن، نه ایستادن، نشستن و گفت‌وگو کردن [۶]. وی علت عمده کاهش جذابیت مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی را مشکلات اقتصادی و دغدغه اشتغال و کسب درآمد می‌داند. این بیان مؤید نظر مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر است که مشکلات اقتصادی و ساعات طولانی کار در بیرون از خانه را یکی از عوامل علی‌کاهش جذابیت روابط همسایگی دانسته بودند. پژوهش‌های زیادی نشان می‌دهند اوضاع روابط اجتماعی زنان در شهر تهران با گذشته فرق کرده است. زندگی شهری شرایطی را مهیا کرده که می‌توان در گمنامی و آزادی ناشی از آن رفتارهایی داشت که در جامعه سنتی پیشین امکان آن مهیا نبوده است [۱۶؛ ۱۷؛ ۱۹].

جدول ۳. کدها و مقولات مربوط به بسترهای زمینه‌ساز رشد بی‌اعتنایی در روابط همسایگی

شماره جملات	کدهای محوری	کد نظری
جملات ۱ و ۲	پیامدهای منفی داشتن روابط همسایگی	
جملات ۳ و ۴ و ۵	کاهش احساس اعتماد و امنیت عمومی	آسیب‌شناسی بسترهای زمینه‌ساز کاهش جذابیت و رشد بی‌اعتنایی در روابط همسایگی در قالب سه مجموعه رویدادهای «پیامدهای منفی»، «کاهش احساس امنیت و اعتماد عمومی» و «عدم کفویت» قابل تبیین‌اند.
جمله ۶	ادراک عدم کفویت در روابط همسایگی	آسیب‌شناسی بسترهای زمینه‌ساز کاهش جذابیت و رشد بی‌اعتنایی در روابط همسایگی در قالب سه مجموعه رویدادهای «پیامدهای منفی»، «کاهش احساس امنیت و اعتماد عمومی» و «عدم کفویت» قابل تبیین‌اند.

آسیب‌شناسی عوامل علی در شکل‌گیری پیامدهای منفی در روابط همسایگی

اولین کد محوری شناسایی شده در ایجاد بستر زوال نهاد همسایگی «پیامدهای منفی» در این رابطه است که به دلیل مجموعه عوامل مهارتی و ساختاری ایجاد می‌شوند. تقریباً از دید همه مشارکت‌کنندگان ناتوانی در حل مسئله و نبود مهارت برقراری ارتباطات اجتماعی مؤثر عامل بسیار مهمی در شکل‌گیری پیامدهای منفی روابط همسایگی بین زنان (درگیری، دخالت، ایجاد مزاحمت و...) محسوب می‌شد که زمینه‌ساز شکل‌گیری پیامدهای منفی در روابط همسایگی می‌شود و پدیده‌هایی مثل تعارض، عدم رضایت، دخالت و سلب آرامش را ایجاد می‌کند [۲۶]. چنان‌که مصاحبه‌شوندگان در این زمینه بیان کردند:

هر روز با همسایه‌ها سر مسائل تکراری مثل جای پارک ماشین مهمون، پمپ آب، سروصدای بچه‌ها یا سایر مشکلات بحث و درگیری داریم.

همسایه‌ها مدام الکی به هم گیر می‌دن و توی کار هم سرک می‌کشن.

مشکل دیگر نبود مهارت بازتعریف مرزهای شفاف بین خانواده‌هاست. به نظر مشارکت‌کنندگان، عدم شفاف‌سازی مرزها مشکلات عدیده‌ای را در روابط همسایگی به وجود آورده و تنش زیادی را موجب می‌شود. شرکت‌کننده شماره ۶ (شاغل):

نصف مشاجرات سر اینه که تعداد زیادی آدم بناست در یک فضای کوچک زندگی کنن، حالا تو کار همدیگر سرک هم می‌کشن... وقتی پسر نوجوان من می‌خواست با چند بطری آب خاک ماشین رو بگیره، آقای همسایه دعوا راه انداخته بود که...

مشکل دیگر از دید مشارکت‌کنندگان نبود مهارت همدلی و درک دنیای پدیداری دیگران بود. این نگاهی بود که تلویحاً یا مستقیماً از سوی بسیاری از مشارکت‌کنندگان بدان اشاره شد. پاسخ‌گوی شماره ۴ (شاغل):

ان قدر دنیای آدم‌ها باهم فرق کرده که دیگه یکدیگر رو درک نمی‌کنن و متوجه مشکلات یکدیگر نمی‌شن..

نکته دیگر که در ذیل عوامل مهارتی مطرح می‌شود، کم‌رنگ شدن حس مسئولیت‌پذیری شخصی است.

ان قدر طرف بی‌مسئولیته که به خودش زحمت نمی‌ده اشغال‌ها رو تا سر کوچه ببره. پر می‌کنه می‌ذاره دم در آپارتمان، توی راه پله!

و اما مسائل ساختاری بسیاری است که موجب می‌شود بستر روابط خوب همسایگی دچار مشکلات عدیده‌ای شود؛ مثلاً مشارکت‌کنندگان شماره ۴ (شاغل)، ۵ (خانه‌دار) و ۱۲ (شاغل) به طراحی نامناسب فضاهای مسکونی و شهری اشاره داشتند.

قدیم موقع ساخت کوچه‌ها و خونه‌ها جایی رو در نظر می‌گرفتن برای مدتی نشستن. الان فقط راهرو هست، یعنی جایی برای رفتن.

الان فضای خونه‌ها طوریه که همه‌چی جلوی چشمه. حتی آشپزخونه بازه! قدیم نیست که مهمون‌خونه جدا باشه. برای همین آدم خوشش نمی‌آد غریبه بیاد خونه‌ش.

هرجا می‌ری جای پارک کمه. واسه همین همه‌ش بین مردم دعواست.

نصف درگیری‌ها واسه اینه که امکانات شهری کمه. هر روز با همسایه‌ها سر مشکلات مربوط به مشاعات ساختمون دعوا داریم.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان بیان کرد که فقر خزانه رفتاری شهروندان و خانواده‌های تهرانی، به‌طور عام، و زنان، به‌طور خاص، آن‌ها را در موقعیت‌های مختلف اجتماعی در موضع ضعف قرار می‌دهد و اجازه نمی‌دهد از امکانات خود استفاده کنند. آنان ناخواسته در کنج انزوای اجتماعی قرار می‌گیرند و از مزایای ارتباطات اجتماعی برای رشد و توسعه اجتماعی، برخوردار از احساس امنیت و برخورداری از حمایت‌های اجتماعی محروم می‌شوند [۲۰].

صاحبان فرهنگ‌های مختلف از برقراری رابطه، به‌رغم میل خود، می‌ترسند چون مهارت ارتباطات چندفرهنگی را ندارند؛ در دام فرهنگ خودی افتاده‌اند یا از تنوع زبان‌های ارتباطی بی‌خبرند [۳۹]؛ یا از توان شفاف‌سازی مرزها با نزدیک‌ترین اعضای خانواده خود ناتوان‌اند یا در دام زیاده‌خواهی خود و دیگران افتاده‌اند و زندگی به کامشان تلخ شده است. اکنون به سبب وجود آزادی‌های اجتماعی، که با آمدن فناوری‌های جدید به شکل روزافزونی نیز گسترش می‌یابد، امکان حضور در فضاهای لامکان باعث رشد فردگرایی و شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌های خاص و متفاوت شده است [۱۱] که به کاهش کفویت بیشتر بین همسایگان می‌انجامد [۱۲].

جدول ۴. کدها و مقولات مربوط به عوامل علی در شکل‌گیری پیامدهای منفی در روابط همسایگی

شماره جملات	کدهای محوری	کدهای نظری
جمله ۷ و ۸ و ۹	عدم مهارت ارتباط مؤثر	
جمله ۱۰ و ۱۱	عدم مهارت بازتعریف مرزهای شفاف و روشن	عوامل مهارتی «پیامدهای منفی» در روابط همسایگی، در دو دسته عوامل «مهارتی و ساختاری» طبقه‌بندی می‌شوند.
جمله ۱۲ و ۱۳	عدم مهارت همدلی و افزایش فردگرایی	
جمله ۱۴	کاهش مسئولیت‌پذیری شخصی	
جمله ۱۵	طراحی نامناسب فضای مسکونی و شهری	عوامل ساختاری

آسیب‌شناسی عوامل علی در کاهش احساس اعتماد و امنیت عمومی در روابط همسایگی

کد محوری بعدی ذیل کد نظری عوامل علی در شکل‌گیری «عدم اعتماد و امنیت عمومی» در جامعه عبارت از عوامل اجتماعی، اخلاقی و شناختی است. گستردگی لجام‌گسیخته کلان‌شهرها، فراوانی فقر و سایر آسیب‌های اجتماعی و از بین رفتن اصالت محله‌ها، گمنامی و شناخت ناصحیح از افراد و گسترش روابط مجازی و شبکه‌های اجتماعی از مواردی بود که مشارکت‌کنندگان ذیل عنوان عوامل اجتماعی بدان اشاره کردند.

امروزه اصلاً نمی‌شه نیازمند واقعی رو از دروغین تشخیص داد.

ان قدر اهالی محله زود زود عوض می‌شن که نمی‌شه اهالی رو شناخت.

مردم هنوز راه و رسم زندگی در این کلان‌شهر رو یاد نگرفتن و فکر می‌کنن به همون شیوه که در شهر خودشون زندگی...

در ذیل عوامل اخلاقی نیز، موضوع کمرنگ‌شدن ارزش‌های اخلاقی و پنهان‌ماندن هویت واقعی افراد و رواج ریاکاری مطرح شد.

توی اینستاگرام یک عکسی از خودش می‌ذاره و چندصد تا هم لایک می‌خوره، درحالی‌که ممکنه در دنیای واقعی هیچ محبوبیتی نداشته باشه.

مردم خیلی راحت دروغ می‌گن، از روی ظاهر مردم اصلاً نمی‌شه به باطنشون پی برد. مردم بدقول شدن. مدت‌هاست که نمی‌شه روی قولشون حساب کرد.

دیگه نمی‌شه روی صداقتشون حساب کرد.

تحت عنوان کد محوری عوامل شناختی، انواع خطاهای شناختی از قبیل ذهن‌خوانی، افکار ناکارآمد، تعمیم افراطی و استنباط دل‌بخواهی مطرح است. مشارکت‌کننده شماره ۱۳ (خانه‌دار) و ۱ (خانه‌دار) می‌گویند:

اگر برای برقراری ارتباط انسانی با کسی هم وارد رابطه بشی، فکر می‌کنه فضولی یا بیکاری. برای همین ترجیح می‌دم تنها تو خونه بمونم. مردم همه دزدن! نخوری، می‌خورنت.

با کاهش حس اعتماد و امنیت عمومی، همسایگان کمتر خطر برقراری ارتباط با غریبه‌ها را می‌پذیرند. این پدیده به شکل‌گیری نوعی شکاف بین آحاد جامعه منجر می‌شود که به‌مرور سطح تنش و اضطراب در سطح جامعه را بالا می‌برد [۹] و بیماری‌های روان‌تنی بین افراد شیوع بیشتری می‌یابد [۳۷]. همه مردم نیاز دارند از محیط زندگی خود و نزدیکان خود یک مقدار توجه مثبت و نوازش دریافت کنند. وقتی این مهم رخ ندهد، رفتارهای مخرب با هدف جلب توجه یا اعتراض به وضع موجود شایع می‌شود [۲۶] و دوباره خرده‌فرهنگ‌هایی در سطح شهر شکل می‌گیرند که مقبولیت ندارند و اعضای آن خرده‌فرهنگ از طرف مردم بیشتر طرد

می‌شوند و در یک دایره نامیمون و تشدیدکننده رشد ناامنی و عدم اعتماد عمومی موجب رشد بیشتر بی‌اعتنایی اجتماعی می‌شود [۱۷].

جدول ۵. کدها و مقولات مربوط به عوامل علی در شکل‌گیری عدم اعتماد و امنیت عمومی در روابط همسایگی

شماره جملات	کدهای محوری	کدهای نظری
جمله ۱۶ و ۱۷	گسترده‌گی جوامع شهری	
جمله ۱۸	از بین رفتن اصالت محلات	عوامل علی در شکل‌گیری «بی‌اعتمادی و ناامنی عمومی» در روابط همسایگی، در سه دسته عوامل «اجتماعی، اخلاقی و شناختی» طبقه‌بندی می‌شوند.
جمله ۱۹	گسترش روابط مجازی و شبکه‌های اجتماعی	
جمله ۲۰	کمرنگ‌شدن ارزش‌های اخلاقی	عوامل اخلاقی
جمله ۲۱ و ۲۲	خطاهای شناختی	عوامل شناختی

آسیب‌شناسی عوامل علی در کاهش عدم ادراک کفویت در روابط همسایگی

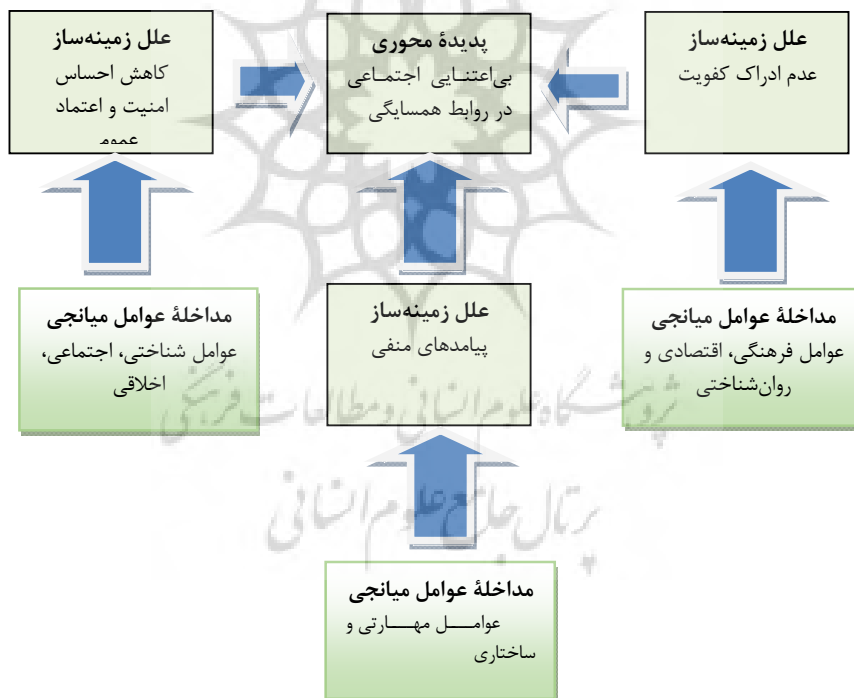
کد محوری بعدی ذیل کد نظری عوامل بسترساز شکل‌گیری پدیده بی‌اعتنایی اجتماعی «عدم کفویت در روابط همسایگی» عبارت است از عوامل روان‌شناختی، فرهنگی و اقتصادی. عوامل روان‌شناختی به ویژگی‌های فردی و عزت نفس و خودپنداره افراد و ناهمسانی نیازها اشاره دارد. آنجا که مشارکت‌کننده شماره ۳ (خانه‌دار) می‌گوید:

چه فایده‌ای داره ارتباط داشتن با خانم همسایه‌ای که هیچ وجه مشترکی با تو نداره و حتی سرگرمی و موضوع مورد علاقه مشترک باهاش نداره.
یا مشکلات فرهنگی که در محیط چندفرهنگی شهر تهران به وجود آمده است و ضعف مهارت ارتباطات چندفرهنگی و افتادن در تله فرهنگ خودی مشکلات عدیده‌ای را در این ارتباط به وجود می‌آورد؛ مثلاً:
من اصلاً نمی‌دونم با یک همسایه ترک، لر یا کرد چطوری رابطه برقرار کنم که ناراحت نشن. من ترجیح می‌دم باهاشون رابطه برقرار نکنم، چون از رسم و رسوماتشون هم خوشم نمی‌آد.
مشکلات اقتصادی، طولانی‌بودن ساعات کاری و اختلافات طبقاتی پدیده‌های دیگری هستند که مشارکت‌کنندگان بدان‌ها اشاره داشتند:
با این‌همه مشغله، دیگه وقتی نمی‌مونه برای روابط همسایگی! چه سودی داره رابطه با همسایه‌ای که هیچ سنخیتی باهاش نداره و هیچ موضوع مشترکی هم برای صحبت وجود نداره.

شماره جملات	کدهای محوری	کدهای نظری
جمله ۲۳ و ۲۴	ناهمسانی نیازها	عوامل روان‌شناختی
جمله ۲۵ و ۲۶ و ۲۷	ناهمسانی فرهنگ‌ها (خرده‌فرهنگ‌های گوناگون)	عوامل فرهنگی
جمله ۲۸	ناهمسانی اقتصادی	عوامل اقتصادی

عوامل علی در شکل‌گیری
«کاهش ادراک کفویت در
روابط همسایگی»، در سه
دسته عوامل
«روان‌شناختی، فرهنگی و
اقتصادی» طبقه‌بندی
می‌شوند.

در مدل مفهومی ذیل، خلاصه‌ای از مباحث مطرح‌شده به صورت شمایی کلی نشان داده شده است:



شکل ۱. الگوی مفهومی شکل‌گیری فرایند بی‌اعتنایی اجتماعی در روابط همسایگی

بحث و نتیجه‌گیری

پرسش اصلی پژوهش حاضر بررسی تجربه زنان تهرانی از بی‌اعتنایی اجتماعی بود؛ تا به درک بهتر این پدیده از طریق ورود به دنیای پدیداری زنان نائل شویم. در این زمینه، با تعدادی از شهروندان تهرانی مصاحبه شد تا درک کنیم آنان طی روابط اجتماعی خود چه چیزی را تجربه می‌کنند و چه چیزی باعث می‌شود خود روابط خوبی با همسایه‌ها و غریبه‌ها نداشته باشند. آنچه از پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش برآمد آن بود که کاهش جذابیت روابط همسایگی به دلیل احساس ترس از ورود به روابط نامن اجتماعی، کمبود مهارت در حل تعارض‌ها و شفاف‌سازی مرزهای ارتباطی از عوامل عمده در شکل‌گیری این پدیده است که در این پژوهش ذیل سه کد محوری اصلی شناسایی شد.

مشارکت‌کنندگان اذعان داشتند که از شناخت طرف مقابل خود ناتوان‌اند و در تشخیص کار درست و نادرست در برخوردهای اجتماعی با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو می‌شوند. بخشی از این مشکل به فقر مهارت‌های ارتباطی، ناتوانی شناختی و کم‌رنگ شدن ارزش‌های اخلاقی مردم بازمی‌گردد و بخشی از آن به ساختارهای ناهمگون اجتماعی، مشکلات فرهنگ شهرنشینی شهروندان، مشکلات اقتصادی مردم، شکاف اقتصادی و فرهنگی موجود در جامعه بازمی‌گردد. کم‌رنگ شدن هویت محلات نیز خود باعث افزایش احساس ناهمسازی یا عدم کفویت در روابط اجتماعی عموماً و در روابط همسایگی خصوصاً شده است. به‌طور کلی، در تحقیق حاضر دو دسته عوامل علی و زمینه‌ساز عدم اعتماد و امنیت عمومی از میان انبوه داده‌های به‌دست‌آمده از متن مصاحبه‌ها استنتاج شد. عوامل علی اجتماعی، اخلاقی و شناختی به عواملی چون گسترش روابط مجازی، کم‌رنگ شدن ارزش‌های اخلاقی، تمایلات فردگرایانه، پنهان‌ماندن هویت‌های واقعی، خطاهای شناختی و نبود رضایت فردی در روابط اجتماعی اشاره دارد و مشکلات روان‌شناختی، فرهنگی و اقتصادی چون ناهمسازی نیازها، سطح درآمدها و فرهنگ‌ها به عدم کفویت در روابط همسایگی دامن می‌زند.

البته خود محلات هم به علت مهاجرپذیری اصالت گذشته را ندارند [۱۱]. هر محله‌ای با توجه به امکانات منطقه خود افراد مختلفی را جلب کرده است. این تنوع امکان پیش‌بینی رفتار دیگران را از افراد سلب می‌کند و باعث می‌شود مردم روابط خویش را به عده‌قلیلی از اقوام و آشنایان محدود کنند [۱۲] و روابط همسایگی که محور روابط اجتماعی است سست شود [۱]. با تقلیل روابط همسایگی، جامعه شاهد افزایش بی‌اعتنایی اجتماعی خواهد بود. نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های محسنی تبریزی و همکاران همسوست و نشان می‌دهد متغیرهایی چون بی‌اعتمادی اجتماعی، نارضایتی اجتماعی و فردگرایی می‌تواند به بروز بی‌اعتنایی منجر شود [۱۶]. از دیگر سو، در بستر روابط خوب همسایگی پدیده‌ای رقم می‌خورد که یکی از ابعاد عینی

آن مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، احساس رضایت از محل سکونت، احساس امنیت و اعتماد عمومی است [۷]. کمبود حس اعتماد، که ترجیح‌بند احساس مشارکت‌کنندگان در تحقیق بود، از نظر بسیاری از صاحب‌نظران مانند اینگله‌هارت، آلموند و وربا^۱ مقدمهٔ رواج بی‌اعتنایی اجتماعی است. این پژوهشگران حس اعتماد افراد جامعه به یکدیگر را شرط لازم برای رشد مشارکت اجتماعی و حمایت مردمی از نهادهای دموکراتیک برمی‌شمرند. بنفیلد^۲ کاهش حس اعتماد متقابل بین مردم را پیامد تجربهٔ فقر مزمن و تبعیض طولانی و احساس بی‌قدرتی یا درماندگی آموخته‌شده می‌داند [۱۷].

رفتار، باورها و تجلیات کالبدی زنان یک جامعه بیانگر و نیازمند هویتی است که خود را معرفی کند تا به تعامل و گفت‌وگو با دیگران بپردازد و نسل بعدی را در دامان خود بپروراند. برخی از صاحب‌نظران معتقدند در ایران به علت شرایط تاریخی این سرزمین، هویت زنان و مردان در اجتماع تعریف نمی‌شود، بلکه از زوایای پیوندهای خانوادگی، خویشاوندی و مذهبی تعریف می‌شود [۱۸]. بدین ترتیب، اصولاً «فرد» به معنای شهروند، صاحب حقوق و متعلق به یک اجتماع خاص، وجود ندارد. به همین علت است که در شرایط تصمیم‌گیری و عمل، اولویت با منافع است که بر هویت خویشاوندی، قومی و قبیله‌ای استوار می‌شود نه بر احساس تعلق و عضویت در یک محدودهٔ جغرافیایی به اسم شهر تهران. پیامد این نگرش بی‌اعتباری عرصهٔ عمومی [۳] و کاهش تبادلات اجتماعی، رشد تنهایی و تجربهٔ هرچه بیشتر بی‌اعتنایی اجتماعی است [۲۰]. می‌توان گفت هویت یک معیار رشد است. به عبارت دیگر، هنگامی که یک جامعه رشد می‌کند، بخشی از ویژگی‌های هویتی‌اش در جریان رشد تغییر می‌کند و ساماندهی مجدد می‌یابد. در این میان، هویت جمعی و شهری معیاری برای توسعهٔ فرهنگ شهری است تا زمینهٔ مشارکت اجتماعی، رشد اعتماد عمومی و احساس امنیت افراد را فراهم کند [۱۵].

در پایان، یادآور می‌شود مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر از محیط جغرافیایی خاصی با جنسیت معینی انتخاب شده بودند. از این نظر، ممکن است از لحاظ تعمیم‌پذیری به محیط‌ها و نمونه‌های دیگر محدودیت داشته باشد. پیشنهاد می‌شود این پژوهش در بافت‌های دیگر شهر تهران یا در سایر مناطق کشور و با نمونه‌های دیگر تکرار شود. این مطالعه با بضاعت اندک خویش تجربهٔ زنان را از بی‌اعتنایی اجتماعی در روابط همسایگی بررسی کرده است. می‌توان در تحقیقات بعدی بی‌اعتنایی اجتماعی مردان و زنان را، که در محیط‌های دیگر مثلاً در سازمان‌ها، مؤسسات و سایر محیط‌های کسب و کار تجربه می‌کنند، بررسی کرد.

1. Inglehart, Almond & Verba
2. Benfield

منابع

- [۱] اسمعیلی، معصومه؛ دشتی، اعظم (۱۳۹۵). «اثر رویکرد سهم‌گذاری در بهبود روابط همسایگی»، ارائه‌شده در شانزدهمین کنفرانس ملی انجمن مشاوره ایران.
- [۲] اعزازی، شهلا (۱۳۸۳). «ساختار جامعه و خشونت علیه زنان»، *رفاه اجتماعی*، ش ۴، ص ۹۶-۵۹.
- [۳] پیران، پرویز (۱۳۸۳). «مشکلات اجتماعی»، *مجله جامعه‌شناسی، علوم اجتماعی و ثروت اجتماعی*، ش ۱۳، ص ۱۶۷-۱۹۷.
- [۴] پیرخانفی، علیرضا (۱۳۹۴). *بحثی پیرامون خلاقیت‌درمانی (رویکرد تکاملی به سلامت روان)*، تهران: کتاب مهربان نشر.
- [۵] خنیفر، حسین؛ مسلمی، ناهید (۲۰۱۷). *روش‌های تحقیق کیفی: رویکردی نوین و عملی*، ج اول، تهران: نگاه دانش.
- [۶] رحیمی، علی (۱۳۹۲). «بررسی هویت فرهنگی و چالش‌های آن در شهر تهران»، سازمان زیباسازی شهر تهران.
- [۷] رستگار خالد، امیر؛ دشتی، سمیه؛ صادقی، زهرا (۱۳۹۱). «بررسی روابط همسایگی، سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن (مورد مطالعه آران و بیدگل)» *فصل‌نامه اجتماعی توسعه فرهنگی*، س اول، ش ۴، ص ۱۷۷-۲۱۵.
- [۸] رضوی، سید مصطفی؛ اکبری، مرتضی و دیگران (۱۳۹۲). *بازکاوی روش تحقیق آمیخته*، تهران: دانشگاه تهران.
- [۹] شکوری، علی (۱۳۸۴). «رفتارهای حمایتی و دلایل بروز آن‌ها»، *فصل‌نامه رفاه اجتماعی*، س ۵، ش ۱۸.
- [۱۰] صلصالی، مهوش؛ فخر موحدی، علی؛ چراغی، محمدعلی (۱۳۸۶). *تحقیق‌گرندد تئوری در علوم پزشکی (فلسفه و اصول کاربردی)*، تهران: بشری.
- [۱۱] فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۱). *فرهنگ و شهر: چرخش فرهنگی در گفت‌وگو شهری*، براساس مطالعات شهری. تهران: تیسرا.
- [۱۲] فاضلی، نعمت‌الله؛ محکی، علی‌اصغر؛ عماری، حسن (۱۳۹۰). *همسایگی در شهر*، مطالعه‌ای در زمینه چالش‌های فرهنگی همسایگی در ایران به سفارش اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، تهران: جامعه‌شناسان.
- [۱۳] فتیحی، یوسف (۱۳۹۱). «روابط همسایگی به‌مثابه یک سازمان اخلاقی با تأکید بر قرآن و حدیث»، سومین کنفرانس بزرگداشت سهروردی با موضوع اخلاق کاربردی.
- [۱۴] قنبری‌نیک، سیفالله (۱۳۹۳). «روابط همسایگی در سبک زندگی اسلامی»، *فصل‌نامه علمی پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی*، س اول، ش ۴، ص ۱۰۸-۱۳۵.

- [۱۵] کارکنان نصرآبادی، محمد (۱۳۸۹). «از محله‌گرایی تا جهانی‌شدن»، *مجله شهرداری*، س ۹، ش ۸۹، ص ۳۱-۱۹.
- [۱۶] محسنی تبریزی، علیرضا؛ صداقتی فرد، مجتبی (۱۳۹۰). «بررسی بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران (مورد مطالعه: شهر تهران)»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، دوره ۲۲، ش ۳، ص ۱-۲۲.
- [۱۷] مسعودنیا، ابراهیم (۱۳۸۰). «تبیین جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی شهروندان در زندگی سیاسی و اجتماعی»، *علوم سیاسی: اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ش ۱۶۸، ص ۱۶۵-۱۵۲.
- [۱۸] مشکینی، ابوالفضل؛ زیاری، کرامت‌الله؛ حیاتی، عقیل (۱۳۹۴). *ارزیابی هویت اجتماعی در محله‌های شهری (مطالعه موردی: محله اوین شهر تهران)*، پژوهش جغرافیای انسانی، دوره ۴۷، ش ۴، ص ۵۸۹-۶۰۷.
- [۱۹] نوابخش، مهرداد. رفیعی‌فر، مریم. (۱۳۸۷). *مطالعه روابط همسایگی در بین ساکنان مجتمع‌های مسکونی در شهر تهران (منطقه ۲)*، *مجله علوم اجتماعی: مطالعات توسعه اجتماعی*، س اول، ص ۵۱-۶۵.
- [۲۰] هورتالانوس، رلوف؛ میشلز انجا. میوسن لودوین. (۱۳۹۴). *انزوای اجتماعی در جامعه مدرن*، ترجمه لیلا فلاحی سرابی، صادق پیوسته، تهران: جامعه‌شناسان.
- [21] Abolhassani. S.R. (2009). *Determination and Evaluation of Elements of Iranian Identity*, Institute of Strategic Researches. (In Persian).
- [22] Adler, A. (1930). *Individual psychology*. In C. Murchison (Ed.), *Psychologies of 1930*(pp. 395-405). Worcester, MA; Clark University Press.
- [23] Blažević Ines,(2016). “Family, Peer and School Influence on Children's Social Development”. *World Journal of Education*. 2016, Vol. 6, No. 2.
- [24] Corey G.(2012). *Theory and Practice of Counselling and Psychotherapy*, Arasbaran Publication, Tehran, Iran.
- [25] Creswell J.w. (2013). *Research Design: Qualitative, Quantitative and Mixed Method, Approaches*, London: Sage Publication.
- [26] Daniels M., Stupnisky H. (2012). *Not that different in theory: Discussing the control value theory of emotions in online learning environments*. *Internet and Higher Education*, 15.
- [27] DeWall, C. N. Baumeister Roy F.(2006). “Alone but feeling no pain: Effects of social exclusion on physical pain tolerance and pain threshold, affective forecasting, and interpersonal empathy”. *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol 91(1), PP 1-15.
- [28] Estell, D. B., & Perdue, N. H.(2013). “Social support and behavioral and affective school engagement: The effects of peers, parents, and teachers”. *Psychology in the Schools*. 50(4), PP 325-339. <http://dx.doi.org/10.1002/pits.21681>.

- [29] Jang, Sung Joon and Byron R. Jonson (2001). "Neighborhood Disorder Individual Religiosity, and adolescent use of illicit Drugs", *A test of multilevel Criminology*, 39 (1)
- [30] Kaplan H. & Sadok B.J. (2015). *Synopsis Of Psychiatry*. Iran, Tehran, Arjmand Publication.
- [31] Kate K. Courtney D.A. (2011). "Modeling Social Influences on Human Health", *Psychosomatic Medicine*: 23(1). PP 67-74
- [32] May, R. ed., (1969). *Existential Psychology*, New York; Random House , 13- Ross, C.E. & Mirowsky, J. & Pribsh, S Powerlessness Amplification of threat: Neighborhood Disadvantage, Disorder, and Mistrust. *American Sociological Review*, Vol.66. (2001).
- [33] Munch, Richard (1988): *Understanding Modernity*. London: m : Rutledge.
- [34] Petek, Davorina. Gajsek, Tadeja. Petek Ster, Marija. (2016). *Work-Family Balance By Woman Gp Specikist Trainees In Slovenia: A Qualitative Study*. *Medical Education* 16:31.
- [35] Senekal, Burgert A (2010). "Alienation in Irvine Welsh's "Trainspotting", Department of Afrikaans & Dutch", *German & French*, University of the Free State, *Literator*, 31(1) PP 19-35.
- [36] Sharf Richard S., (2016). *Theoris of Psychotherapy and Concepts and Cases*, Rasa Institute of Cultural Services.
- [37] Steven D.B. (2013). "Social Integration, Social Support and Mortality in the US National Health Interview Survey", *Psychosomatic Medicine*: 75(5). PP 510-517.
- [38] Stormshak, Elizabeth A. Connell, Arin M. 'le 'ne Ve 'ronneau, Marie-He. Myers, Michael W. Dishion, Thomas J. Kavanagh, Kathryn Caruthers, Allison S. An Ecological, (2011). "Approach to Promoting Early Adolescent Mental Health and Social Adaptation: Family-Centered Intervention in Public Middle Schools". *Child Development*, Volume 82, Number 1, Pp 209-225.
- [39] Thomas D. Inkson K. (2008). *Cultural Intelligence: people Skills for Global Busness*. US. Read How You Want.
- [40] Tsakos, M.G. Sabbah, W. Chandola T. Newton, T. Kawachi I. Aida J. Sheiham, A. Marmot M.G. Watt, R.G. (2013). "Social relationships and Oral health Among adults Aged 60 Years or Older", *Psychosomatic Medicine*: 75(2), PP. 178-186.